



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید مسجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
- نمایر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۷۸۹

SHAHRRANNEWS.IR
اشنبه
۳۱ تیر ۱۴۰۳
۱۵ محرم ۱۴۴۴
شماره ۴۴۶۷
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir



سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید



ميثاقنامه اخلاق حرفه‌ای



دمای هوای مشهد

۲۸٪
↓ ۲۳° ۳۶°

صبح ۲۸
ظهر ۳۴
عصر ۳۳
شب ۲۹

- اذان ظهر ۱۱:۳۸:۰۱ نیمه شب شرعی ۰۶:۴۷:۲۲
- غروب آفتاب ۱۸:۴۵:۴۱ اذان صبح فردا ۰۲:۴۸:۳۱
- اذان مغرب ۱۹:۰۶:۱۵ طلوع آفتاب فردا ۰۴:۳۰:۲۰



رضا جنگی ایرانیان سالانه به طور متوسط ۶ کیلو نمک مصرف می کنند.



حکایت سلطان واقعی جنگل و غیره

انسان ادامه داد. ساعتی بعد به فیل رسید و از او پرسید: انسان تویی؟ فیل گفت: من انسان نیستم، اما از ظلم و تعدی انسان به تنگ آمده‌ام. انسان ما من و هم نوعانم را می گیرند و چند نفری روی ما می نشینند و در نهایت هم به هیکل ما می خندند. شیر به سخنان فیل گوش سپرد، و از آنجا که باز گرسنه شده بود خواست فیل را بخورد، اما نگاهی به هیکل فیل کرد و از تصمیمش منصرف شد و به جست و جوی انسان ادامه داد. ساعتی بعد شیر به مرد نجاری رسید. از او پرسید: انسان تویی؟ مرد نجار گفت: بلی. شیر گفت: من آمده‌ام تا تو را بخورم و انتقام حیوانات جنگل را بگیرم. مرد نجار گفت: اگر راست می گویی اول برو و در آن صندوق چوبی قائم شو بینم بلدی؟ شیر گفت: معلوم است که بلدم. و به داخل صندوق چوبی رفت. مرد نجار نیز فوراً در صندوق را بست و یک کتری آبجوش آورد و روی شیر خالی کرد و بعد در صندوق را باز کرد. شیر که کاملاً سوخته بود از صندوق بیرون پرید و در حالی که پوستش کنده شده بود به سلطنت انسان اذعان کرد و پا به فرار گذاشت و تا پایان عمر هرکس او را سلطان جنگل می نامید، جیغش به هوا بلند می شد و پادشاه می آمد که «سلطان جنگل» لقبی بوده که انسان به وی داده است!



شاعر و نویسنده سید مهدی نژاد

در روزگار آن قدیم، نرسیده به قرون وسطی، تنی چند از حیوانات جنگل که از ظلم و تعدی انسان به تنگ آمده بودند نزد شیر رفتند و از ظلم و تعدی انسان به او شکایت کردند. شیر وقتی شکایت حیوانات را شنید یک لحظه احساس کرد واقعا «سلطان جنگل» است و یادش رفته بود که این لقب را انسان به وی داده است. وی پس از اینکه خوب احساس کرد سلطان جنگل است، به حیواناتی که برای شکایت آمده بودند قول داد انسان را پیدا کند و انتقام حیوانات را از او بگیرد. فردای آن روز شیر از جنگل بیرون رفت تا انسان را پیدا کند. در راه به خر برخورد کرد و از وی پرسید: انسان تویی؟ خر گفت: من انسان نیستم، اما از ظلم و تعدی انسان به تنگ آمده‌ام. انسان بار بر پشت من و هم نوعانم می گذارد و کتکمان می زند. شیر به سخنان خر گوش سپرد و از آنجا که گرسنه بود، او را زمین زد و کشت و خورد و به جست و جوی انسان ادامه داد. ساعتی بعد به گاومیش رسید و از او پرسید: انسان تویی؟ گاومیش گفت: من انسان نیستم، اما از ظلم و تعدی انسان به تنگ آمده‌ام. انسان من و هم نوعانم را می گیرد و شیر ما را می دوشد و ما را می کشد و می خورد. شیر به سخنان گاومیش گوش سپرد و از آنجا که سیر بود، او را نخورد و به جست و جوی

اول شخص

فرشته ها، بال ندارند

روایتی از پزشک مدافع سلامت، دکتر عبدالعلی خوارزمی که در ۳۱ تیر سال ۱۳۹۹ بر اثر ابتلا به ویروس کرونا، به شهادت رسید

پرونده آزاد چشمه سبزی

دکتر خوارزمی از راه نرسیده رفت بیمارستان قائم (عج) تا در گروه کودکان خدمت کند. شاگرد اول خوش استایل دهه ۵۰. استاد تمام با تجربه ای با موهایی جوگندمی و سبیل هایی پریشان بود که وقتی می رسید بالای سر کودکان، فقط دوتا بال کم داشت تا فرشته شدن. حالا نه فقط مداوای کودکان که تجهیز شرایط بستری و درمان آن ها هم، صفحه تازه ای از انشاهای بزرگ سالی اش بود. رؤیای بیمارستانی تخصصی و مجهز با جدیدترین شیوه های پزشکی برای درمان کودکانی که بعد از امام رضا(ع) چشم امیدشان به ناجیان سفیدپوشی بود که در راهروهای درمانگاه و بخش های تخصصی کودکان، خدمت می کردند.

سوم/ تحقق یک رؤیا

از وقتی وارد دانشکده علوم پزشکی شده بود، با خانواده علیزاده راد نشست و برخاست داشت. به چشم دیده بود بعد مادر خداپایامرزشان چطور خواهرها و برادرها خاندان علیزاده در قالب یک مؤسسه خیریه به نام «سرور» نامش را زنده نگه داشته بودند. خود ش از همان ب بسم الله که بنا شد زمین بایر بولوار کاوه را به یک بیمارستان تخصصی

گذشته نما

یادگار اعتمادالسلطنه در مشهد

اردلان تصویری که می بینید نسخه دست نویس نخستین شماره جریده «وقایع اتفاقیه» است که در آرشیو نشریات کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود. جالب است بدانید ۳۵ شماره نخست این روزنامه به صورت دست نویس و به خط میرزا عبدا... خوش نویس به رشته تحریر درآمده است. این مجلد

حکایت

گویند: اسکندر مردی بزرگ از کارداران خویش را معزول کرد از عملی بزرگ، و عملی دادش دون و خسیس. مرد، روزی به درگاه آمد. اسکندر او را گفت: چگونه می بینی عمل خویش؟ گفت: زندگانی ملک دراز باد. مرد به عمل بزرگ نباشد بلکه عمل به مرد نیک و شریف گردد به نیکو سیرتی و انصاف دادن... اسکندر را این سخن خوش آمد، و همان عمل بدو باز داد و او را برگزید.

«نصیحه الملوک» محمد غزالی

عکس روز

متن

نمایی از مراسم تعزیه خوانی حسینیہ کرمانی ها که دوازدهم محرم هر سال در مشهد برگزار می شود.

برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید. عکس: محسن بخشنده / شهرآرا